

بررسی آخرین تحولات یمن؛ صحنه سیاسی یمن، وارد مرحله جدیدی شده است.

میان نیروهای انصارالله و عربستان صورت گرفت. این آتش بس، حاصل بازیگری فعال و افزایش توان بازدارندگی انصارالله بود که در پی این، آن بخشی از محاصره بندر حدیده، کاهش پیدا کرد و باعث شد، مقداری سوخت به صنعا برسد و فرودگاه صنعا نیز مجدداً فعال شود که این اتفاق، اولین بار پس از بحران ۲۰۱۵ صورت گرفت. بعد از این تحولات، شاهد برکناری منصور هادی بودیم که به ظاهر استعفا داد و شورای سیاسی ۸ نفره از فرمانداران و صاحبان قدرت، داخل یمن به ریاست رشاد العلیمی شکل گرفت. به نظر می رسد تمامی این تحولات، نشان دهنده این است که نیروهای انصارالله، توانستند واقعیت های میدانی را در عرصه سیاسی هم تثبیت کنند و باعث موافقت سعودی ها با اکثر خواسته های خود شوند. اقدامات انصارالله در عملیات گسترده در پالایشگاه جدّه و اماکن حساس عربستان، بازخورد داشته است و باعث شد تا صحنه سیاسی یمن، وارد مرحله جدیدی شود.

چکیده: در گفتگویی واحد رسانه مرکز مطالعات آمریکا با دکتر حسین آجورلو، مدیر گروه روابط بین الملل مؤسسه بین المللی ابرار معاصر مطرح شد: تمامی تحولات اخیر یمن از آتش بس تا تغییرات سیاسی (کنار گذاشتن منصور هادی)، نشان دهنده بازیگری فعال و افزایش توان بازدارندگی انصارالله و در نتیجه تثبیت واقعیت های میدانی در عرصه های سیاسی است. عربستان با تشکیل هیئت رئیسه جدید و موافقت با مذاکره یمنی- یمنی، به دنبال این است که اولاً خود را از معرکه یمن دور کند، ثانیاً بحران اوکراین، درس های جدی برای عربستان داشته است و در نهایت، محمد بن سلمان، تلاش می کند تا با پایان دادن به بحران یمن، بیشتر وارد فضای سیاسی و بازطراحی سیاست های خود در منطقه شود. بحران یمن، نشان داد که ثبات واقعی در منطقه، در گرو حل شدن مشکل فلسطین و به رسمیت شناختن جایگاه کشورهای مستقل است. یکی از موضوعات مهم منطقه که دارای اهمیت بسیاری بوده، تحولات یمن است. پس از کش و قوس های فراوان در اول ماه رمضان، آتش بس



است و دستاویز شدن به متحدان خارجی و حتی عادی سازی رابطه با رژیم صهیونیستی، نمی تواند فاصله ای را که بین حکومت و مردم شکل گرفته، حل کند و تنها چیزی که منطقه را به ثبات می رساند، همکاری میان کشورها است. ثبات واقعی در این منطقه، در گرو حل مشکل فلسطین و به رسمیت شناختن کشورهای مستقل است و در این حالت، می توانیم چشم انداز ثبات آفرین را در منطقه ببینیم.

برای تهاجم جدی تر است، اما با توجه به خسارت های وارده به عربستان، این فرضیه قوی نیست. دلیل چهارم، تحولات یمن به منطقه نشان داد که حتی اگر بهترین تجهیزات نظامی و متحدان غربی را داشته باشید، باز هم مشکلات با گفت و گو حل می شود و اختلافات سیاسی باید از طریق دیپلماسی حل گردد. بر این اساس، عربستان باید به این باور برسد که منطقه غرب آسیا برای ثبات و یک صلح نسبی، نیازمند گفت و گوهایی منطقه ای و فراگیر بر اساس واقعیت های میدانی و سیاسی

به نظر می رسد این آتش بس، دوام داشته باشد اما عربستان با تشکیل هیئت رئیسه جدید، به نوعی تلاش می کند تا ابتدا خود را از معرکه یمن دور کند و بحران یمنی را که خود ایجاد کرده است، به سمت مذاکرات یمنی- یمنی ببرد و در نهایت، خروجی این مذاکرات، این باشد که قدرت های دیگر مانند ایران، در این موضوع دخالت نکنند. نظر دوم این است، به نظر می رسد که بحران اوکراین، درس هایی برای عربستان داشته و این کشور، متوجه شده که حتی با پیشرفته ترین تجهیزات، در صورت نبود اراده مردم، نمی توان موفق بود و در عین حال به عربستان سعودی نشان داد که آمریکا و غرب، از متحد نزدیک خود حمایت نکردند، چه برسد به عربستان. سومین دلیل، محمد بن سلمان تلاش دارد تا با پایان دادن به بحران یمن، راهبردی را اتخاذ کند که در تحولات منطقه، بیشتر وارد فضای سیاسی شود و به نوعی به بازطراحی سیاست های خود بپردازد. برخی کارشناسان معتقدند که با این کار، عربستان به دنبال تجدید حیات دوباره